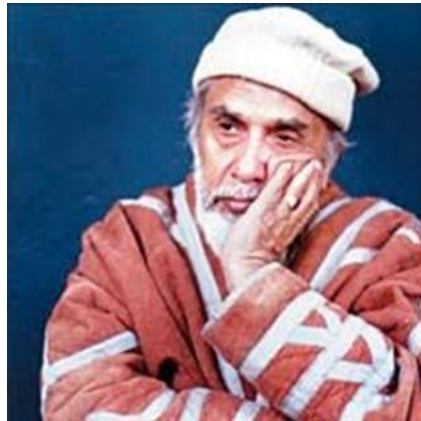


خلیل الله خلیلی



دکتر بصیر کامجو

مدخلی بر نگرش شاعر در مرز تاریخ، تبعید و تفکر

خلیل الله خلیلی (1907-1987)، از چهره‌های ممتاز شعر و اندیشه در قلمرو فارسی‌زبان، تنها یک شاعر کلاسیک نیست، بلکه متفکری است ایستاده بر گسل‌های سنت و مدرنیته، وطن و غربت، و زبان و هویت. این مقاله با رویکردی میان‌رشته‌ای، زندگی، آثار و جایگاه فلسفی و فرهنگی او را در بستر تاریخ معاصر افغانستان و ایران فرهنگی تحلیل می‌کند. خلیلی، از دل تبعید، میهنی فرهنگی و زبانی آفرید و با زبان شعر، پرسش‌های بنیادین هستی، سیاست و آزادی را به گونه‌ای خلاقانه و انسان‌محور مطرح ساخت.

1 - زایش از دل بحران: تولد شاعر در آستانه‌ی رنج

خلیل الله خلیلی در سال 1286 هـ.ش / 1907 م. در باغ جهان‌آرای کابل چشم به جهان گشود. پدرش محمدحسین‌خان مستوفی‌الممالک، از رجال بانفوذ در دربار امیر حبیب‌الله خان بود که به‌فرمان امان‌الله خان اعدام شد و این حادثه نه‌تنها سرنوشت خانوادگی، بلکه افق ذهنی شاعر را به‌گونه‌ای بنیادین متحول ساخت. [1]

تبعید خانواده به کوهستان در شمال کابل، برای خلیلی به‌جای حبس، به مدرسه‌ای نانوشته تبدیل شد؛ جایی که او با متون سنایی، مولوی و فرّخی آشنا شد و سنت خراسانی را از آن خویش کرد [2]. این دوران، به تعبیر هایدگری، به نوعی «پرتاب‌شدگی هستی‌شناختی» بدل شد؛ انسانی در تبعید، اما در جست‌وجوی معنا.

2 - از سنت به نو: تجدد در قامت فرم‌های کلاسیک

در ساختار فرمی، خلیلی وفادار به قوالب کهن چون قصیده، غزل و رباعی بود، اما در سطح مفهومی، به‌وضوح درگیر با مفاهیم مدرن مانند آزادی، عدالت و هویت انسانی است. [3]

اثر مهم او، عیار از خراسان، که زندگینامه‌ی حبیب‌الله کلکانی است، نه‌فقط روایت تاریخی، بلکه تحلیلی عمیق از مشروعیت، سیاست و قدرت در فضای مدرنیته‌ی شکننده‌ی افغان است.[4]

3 - میان شعر و سیاست: شاعر به‌مثابه‌ی کنشگر تاریخی

خلیلی برخلاف سنت مألوف شاعران گوشه‌نشین، در قدرت نیز حضوری فعال داشت: معاون دانشگاه کابل، وزیر اطلاعات و فرهنگ، مشاور سلطنتی و سفیر در عربستان و عراق.[5] اما این مناصب، برای او ابزار تسلط نبود؛ بلکه بستر آگاهی‌بخشی بود. زبان او در عرصه‌های رسمی، حامل نغمه‌ی عرفان و صدای مردم بود [6]. او به‌مثابه «سخنگوی ملت در لباس درباری» ایفای نقش کرد.

4 - تبعید: فلسفه‌ی غیاب و معنای وطن

پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷، خلیلی مجبور به مهاجرت به آلمان، سپس آمریکا و در نهایت پاکستان شد. تبعید برای او صرفاً «جابه‌جایی مکانی» نبود، بلکه «تبعید هستی‌شناختی» بود: نوعی بی‌خانمانی وجودی.[7] آثار این دوره چون در / شک‌ها و خون‌ها، میگان و نی‌نامه، تلفیقی از عرفان، تاریخ‌باوری، و دغدغه‌ی زبان است [8]. مرثیه‌هایی برای انسان، نه‌فقط ملت.

5 - زبان و وطن: فلسفه‌ی هویت در شعر خلیلی

برای خلیلی، وطن نه خاک، که زبان است. او می‌نویسد: «زبان وطن من است، وطن خاک نیست، روح است» [9]. این نگاه، او را در افق فکری متفکرانی چون هایدگر (زبان به‌مثابه‌ی خانه‌ی هستی) و لکان (زبان به‌مثابه‌ی ناخودآگاه فرهنگی) قرار می‌دهد.[10] شعر او، ابزاری برای بازتعریف وطن است؛ غزل، پژواک جان؛ قصیده، دیالکتیک قدرت و تاریخ؛ و رباعی، تأملات هستی‌شناختی در کوتاه‌ترین شکل.

6 - ایران فرهنگی: خلیلی در میان خراسان و البرز

خلیلی نه‌فقط در افغانستان، بلکه در حلقه‌ی روشنفکری ایران نیز جایگاهی شاخص یافت. دوستی‌اش با بدیع‌الزمان فروزانفر و عبدالحسین زرین‌کوب، و حضور در محافل علمی تهران، نشان از پیوند عمیق او با ایران فرهنگی دارد [11] [12]. او پلی بود میان خراسان کهن و تهران معاصر؛ صدایی از شرق که در قلب مدرنیته شنیده شد.

7 - مرگ و بازگشت : شاعر در آستانه‌ی جاودانگی

خلیلی در سال 1366 ه.ش / 1987 م. در اسلام‌آباد دیده از جهان فروبست و در پیشاور، در جوار رحمان بابا دفن شد. اما در سال 1390، پیکرش به کابل منتقل و در جوار سید جمال‌الدین اسدآبادی به خاک سپرده شد. [13]

این بازگشت، نماد پایان تبعید فرهنگی و احیای هویت شعری و زبانی در قلب سرزمین بود.

گزیده اشعار: فلسفه‌ی زیبایی‌شناختی اندوه

اشعار خلیلی آمیزه‌ای است از زیبایی‌شناسی مقاومت، عرفان درد، و اخلاق زبانی. چه آنجا که از مادر می‌گوید، چه آنجا که انسان را در هزارتوی سیاست باز می‌شناسد، همواره حقیقتی انسانی و شاعرانه را پژواک می‌دهد.

زندگی در بردگی شرمندگی است
معنی آزاد بودن زندگی است
خلیل‌الله خلیلی

زبان، وطن من است...
خلیل‌الله خلیلی

نتیجه‌گیری

خلیل‌الله خلیلی را باید در تلاقی تاریخ، زبان، اندیشه و رنج نگریست؛ شاعری که نه تنها قصیده گفت، که مفهوم وطن، انسان و سیاست را به زبان شعر ترجمه کرد. آثار او، در هر قالب، صدای تبعیدی‌ست که تبعید را به اندیشه، و اندیشه را به بیداری بدل ساخت.

1. سرگذشت‌نامه‌ی خلیلی، نشر خاور، چاپ دوم، 1369
2. گفتگو با عبدالغفور برشنا درباره‌ی خلیلی، آرشیو مطالعات کابل
3. عیار از خراسان، خلیل‌الله خلیلی، چاپ اول، 1343
4. مقالات فرهنگی افغانستان معاصر، جلد دوم، مرکز مطالعات آسیای میانه
5. خاطرات دیپلماتیک افغانستان، نشر آریانا، 1382
6. شاه‌حسینی، رضا. «خلیلی و زبان دربار»، مجله‌ی فرهنگ و سیاست، شماره 5
7. ناطقی، محمد. «تبعید در شعر معاصر افغانستان»، نشر آسمان، 1392
8. تحلیلی بر نی‌نامه، مقاله‌ی دکتر سیما رضایی، مجله‌ی نقد ادبی
9. دیوان خلیل‌الله خلیلی، چاپ کتابفروشی خاور، 1353
10. Heidegger, M. *Poetry, Language, Thought*. Harper Perennial, 2001.
11. زندگینامه‌ی بدیع‌الزمان فروزانفر، به کوشش شفیعی کدکنی
12. زرین‌کوب، عبدالحسین *با کاروان حله*
13. گزارش بازگشت پیکر خلیلی، خبرگزاری بی‌بی‌سی فارسی، فروردین 1390